

# آخرین راه حل آمریکایی‌ها

برای شکست انقلاب اسلام چه بود؟

تاریخ تحلیلی جنایات آمریکا  
به روایت حسن رحیم پور ازغدی





تاریخ تحلیلی جنایات آمریکا  
به روایت حسن رحیم پور ازغدی



واقعه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا در ایران در آبان ماه ۱۳۵۸ را می‌توان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران دانست. اهمیت و عظمت این حادثه به صورتی بود که حضرت امام خمینی (ره) آن را با عنوان «انقلاب دوم» نامیدند.

آقای حسن رحیم پور ازغدی طی یک سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در آبان ۱۳۹۸ براساس **#اسناد\_لانه‌ی\_جاسوسی\_آمریکا** به بازخوانی نفوذ استعماری و جنایتکارانه‌ی آمریکایی‌ها در ایران پرداختند. ایشان ضمن تبیین این دخالت‌ها، سوابق جنگ طلبانه و شلطة‌گرایانه‌ی دولت آمریکا در کشورهای مختلف دنیا را نیز مورد توجه و تحلیل قرار داده‌اند.

اشاره به آخرین جمع‌بندی آمریکایی‌ها از اوضاع داخلی ایران و حرکت انقلاب اسلامی علیه منافع نامشروع آمریکا و همچنین راه‌حل ارائه شده برای مدیریت و انحراف انقلاب براساس اسناد لانه، از نکات جالب این سخنرانی است:

مبارزه‌ی ملت ایران علیه آمریکا در این شصت، هفتاد سال گذشته و از سال ۳۲ تا امروز، یک مبارزه‌ی بی دلیل و بدون پشتوانه نبوده. جنایاتی که غربی‌ها و به ویژه انگلیسی‌ها در دو بیست سال گذشته در حق ملت ایران کرده‌اند، یکی دو تا نیست. یک ملت را تا اعماق وجودش به دست ارتش‌های اشغالگر غربی و به طور خاص انگلیس تحقیر و غارت کردند. بعد که آمریکایی‌ها از سال ۳۲ حاکمیت را به تدریج قبضه کردند، آن جنایات مضاعف شد.

# آمریکایی‌ها آخرین راه‌حل برای شکست انقلاب اسلام چه بود؟

# آمریکا، از هالیوود تا واقعیت!

شما دیدید گروه داعش را چگونه ایجاد کردند. بعد الان که در سوریه و عراق شکست خورد، منتقلش کردند به افغانستان و دوباره دارند داعش را به شکل جدیدی در عراق و سوریه بازسازی می‌کنند. تخصصی عمل می‌کنند که چگونه جنگ داخلی راه بیندازند. چگونه در یک جامعه‌ای که تفاوت‌های قومیتی، مذهبی و زبانی هست، این‌ها را تبدیل کنند به تضاد و ستیز و جنگ. چه جور قانون اساسی برایشان بنویسند. چگونه انتخابات را تخریب کنند. چه جور انتخابات قلابی برگزار کنند؛ کاملاً فنی و حساب شده با روانشناسان قوی، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، متخصصان علوم سیاسی، متخصصان رسانه، نظرسنجی، افکارسنجی و روانشناسان اجتماعی. همان طور که مهندس و فیزیکدان و شیمی‌دان استخدام می‌کنند برای تولید بمب‌های هسته‌ای و میکروبی و شیمیایی، متخصصان علوم انسانی را هم تربیت می‌کنند و سفارش می‌دهند که جوامع را مهندسی کنند. با نسل جوان مثلاً چه بگویند و چگونه عمل کنند که جای شهید و جلاّد و ظالم و مظلوم را عوض کنند.

شما و نسل جوان چون نه رژیم شاه را دیده‌اید، نه آمریکایی‌ها و نه انگلیسی‌ها را دیده‌اید در ایران، صرفاً یک ارتباط ذهنی و رسانه‌ای ممکن است با این مباحث داشته باشید. آمریکای شما آمریکای هالیوود است. آمریکای ما آمریکایی بود که این جا آموزش می‌داد به شکنجه‌گران ساواک که چه جور سوزن زیر ناخن بکنند و چه جور زنان و مردان مبارز و مجاهد را کباب کنند. ده‌ها نفر از بچه‌های همین دانشگاه شما، دانشگاه صنعتی شریف که دانشگاه صنعتی آریامهر بود در دهه‌ی پنجاه، زیر شکنجه‌هایی رفتند که تحت نظارت آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها انجام می‌شد. چیزی حدود سیصد نفر از دانشجویان مبارز دانشگاه‌های مختلف و از جمله این دانشگاه زیر شکنجه رفتند در دهه‌های چهل و پنجاه. روش شکنجه‌ها را هم آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها بالای سرشان آموزش می‌دادند. شکنجه‌گران رژیم شاه دوره‌های آموزشی داشتند در لندن و تل‌آویو و واشنگتن که چگونه می‌شود شکنجه‌های جسمی کرد؛ انواع و اقسام روش‌های توهین، تحقیر و ایجاد درد. این که چه جور مثلاً کتف را از بند در بیاورند که درد بکشد و دوباره چه جوری جایبندازند. چه جوری فک دربرود که ۴۸ ساعت نتواند آب و غذا بخورد و درد بکشد و بعد دوباره چه جور جایبندازند.

## دانشکده‌ی شکنجه داشت آمریکا. هنوز هم دارد.

الان دانشکده‌های بیشتری هم دارد؛ دانشکده‌ی کودتا، دانشکده‌ی شکنجه، دانشکده‌ی اغتشاش علیه حکومت‌ها. همین کاری که الان و این روزها در عراق و لبنان می‌کنند. کارهایی که همین جا سال ۸۸ و بعد از آن یکی دو بار کردند. بالاخره هر جامعه‌ای مشکلاتی دارد، مشکلات واقعی را پیدا می‌کنند، روی زخم‌ها مثل مگس و کرم تخم‌گذاری می‌کنند، صورت مسأله را عوض می‌کنند، شعارها را عوض می‌کنند، ماهیت حرکت را به کلی تغییر می‌دهند و یک انتقاد طبیعی و یک اعتراض اجتماعی و درست و آرام را یک مرتبه تبدیل می‌کنند به درگیری‌های خونین و کشتار از دو طرف و آتش و ترور و انفجار و براندازی.

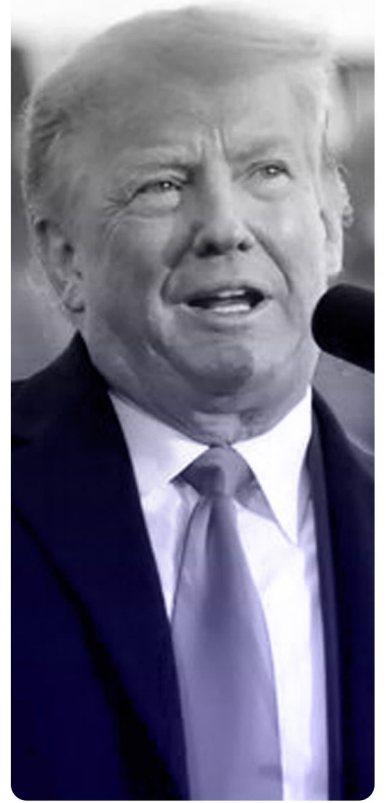
# #صاحب\_واقعی مملکت ما آمریکا بود!

کل منابع ایران که در این دو بیست سال گذشته توسط غربی‌ها و به خصوص انگلیس و آمریکا و اسرائیل غارت شد، می‌توانست ده‌ها کشور فقیر را آباد کند. به جای آن آمریکا و انگلیس و اسرائیل را آباد کرد. همه جا هم دخالت می‌کردند. ارتش شاه ایران را آمریکا ساخته بود. می‌دانید که بعد از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و جنگ جهانی دوم، آمریکا دیگر از ایران نرفت. انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها و شوروی‌ها به بهانه‌ی جنگ با آلمان‌ها آمدند و ایران را اشغال کردند، بعد دیگر نرفتند. این که بعدها شوروی مجبور شد برود، در اثر جنگ قدرت غرب و شرق بود، ولی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نرفتند. قبلش انگلیس‌ها بودند البته. نیروهای نظامی آمریکا از شهریور ۲۰ که ایران را اشغال کردند، بعد از پایان جنگ جهانی دوم دیگر از ایران نرفتند. اول مسئولیت کل ژاندارمری ایران را گرفتند و بعد بخش‌های دیگر کشور را. کم‌کم و سال به سال هم مسلط‌تر شدند تا این که دیگر در پایان دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه ساواک و شهربانی و ارتش و همه‌ی این‌ها تحت کنترل کامل آمریکایی‌ها بود.

آمریکا. هواپیماهای ایران را می‌فرستادند ویتنامی‌ها را بمباران می‌کردند به نفع آمریکا با پول ملت ایران. اسرائیل با رژیم‌های عربی جنگید و پیروز هم شد، ولی برای این که نفت اسرائیل مدتی قطع شد، سریع به شاه دستور دادند و شاه اعلام کرد نفت مفت به اسرائیل می‌دهد. چندتا هواپیمای اسرائیل سقوط کرد و ایران چند برابر هواپیما هدیه داد مجانی به رژیم اسرائیل. یعنی کمک‌شان می‌کرد در جنگ. موارد دیگری هم بود مثل دخالت در عراق آن موقع و علیه چپ‌ها. خب آن‌ها آن موقع به اسرائیل کمک می‌کردند و عیبی نداشت، اما الان اگر ما به فلسطینی‌ها کمک کنیم اشکال دارد! شما که نه انقلاب را دیده‌اید و نه جنگ را، نه شاه را و نه امام را، شما شصت هفتاد هزار مستشار آمریکایی را که ندیده‌اید در ایران. مستشاران انگلیسی و اسرائیلی‌ها را شما ندیده‌اید که این‌جا مثل ارباب راه می‌رفتند و مقامات ایران مثل نوکر دنبال‌شان می‌دویدند.



فرماندهان ارتش و رؤسای رادیو تلویزیون و دانشگاه‌ها را سفارت آمریکا باید نظر می‌داد. سفرای ایران، وزیرهایش، وکیل‌هایش و همه را باید آمریکا اجازه می‌داد. به حدی که حتی به شاه هم دیگر محل خیلی نمی‌گذاشتند. مادر شاه در خاطراتش نوشته یک روز دیدم شاه خیلی حالش خراب است. پرسیدم چه شده؟ گفت من که هر چه آمریکایی‌ها می‌گویند، گوش می‌کنم، پس چرا باز این قدر تحقیر می‌کنند؟! پرسیدم باز چه شده؟ گفت الان فهمیده‌ام که مدت‌هاست نیروی هوایی ما و هواپیماهای ما را تحت فرمان آمریکایی‌ها می‌فرستند ویتنامی‌ها را بمباران می‌کنند و حتی به من اطلاع نمی‌دهند! یا وقتی چریک‌های چپ در منطقه‌ی ظفار عمان قیام کرده بودند علیه حکومت انگلیسی عمان و نتوانستند سرکوب‌شان کنند، انگلیس و آمریکا دستور دادند که ارتش ایران برود آن‌جا. نیروی هوایی و یگان‌های ویژه‌ی ارتش ایران رفتند و سرکوب کردند چریک‌های چپ ظفار عمان و یمن جنوبی را به نفع انگلیس و آمریکا.



اصلاً تمام گذشته به کنار، همین الان قبل از این که من چند سند از اسناد لانه را خدمتتان بخوانم، همین مواردی که پیش چشم شماها اتفاق افتاده و می افتد. خبرهای همین امروز را بروید بعد از جلسه سرچ کنید در خبرگزاری های دنیا راجع به آمریکا. رئیس جمهور آمریکا رسماً می گوید ما برای نفت سوریه آن جا هستیم. می گوید من نفت دوست دارم. مثل بچه های کوچک. صریح هم می گوید. بقیه شان هم همین طور. او باما و دموکرات ها و همه همین اند، منتها این یکی بی نقاب حرف می زند و یک آمریکایی خالص است. خودش مگر نگفت ابوبکر بغدادی و داعش را آمریکا ایجاد کرده؟ اصلاً جزو بحث های انتخاباتی اش بود و شاید بیشتر از ده بار گفت که اصلاً داعش را آمریکا درست کرد. حالا هم می گوید خودمان کشتیم و جنازه اش هم نیست و همان بازی هایی که سربن لادن درآوردند که اصلاً معلوم نیست کجایش راست است و کجایش دروغ. یک بازی راه می اندازند و به این بهانه یک حمله به یکی دو کشور مظلوم و بعدش غارت و قتل عام و لشکرکشی و زدن پایگاه های ثابت. بعد هم همه چیز را تمام می کنند. هر وقت بخواهند یک داعش دیگر درست می کنند و یک ابوبکر بغدادی دیگر. اصلاً ذره ای احترام برای افکار عمومی نه در آمریکا و نه در جهان قائل نیستند. دقیقاً طاغوتند. طاغوت و استکبار یعنی همین خودبزرگ بینی. خودش گفت حداقل یک میلیارد دلار ظرف چند ماه صرف گروه های اسلام گرای تکفیری و هابی کرده علیه اسلام و انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، حالا اعلام کردند پایگاه های شمال سوریه را ظاهراً خالی کرده و دوباره برگشت عراق. بعد دوباره گفت داریم می رویم افغانستان. او باما آمد گفت آمریکا رئیس جمهوری احمق تر از بوش نداشته. بعد گفت ما می خواهیم گوانتانامو و این ها را ببندیم و تعطیل کنیم و رأی آورد، اما تعطیل نکرد و حتی تقویتش کرد. این یکی در تبلیغاتش گفت که هفت تریلیون دلار کل پول آمریکا را صرف ارتش کردند در عراق و سوریه و لشکرکشی کردند و آبرویمان هم رفت با این همه کشته، **ولی عراق و سوریه و کل منطقه تحت قدرت ایران است و نه ما.** گفت رئیس جمهوری احمق تر از او باما نبوده در تاریخ. باز بعدی می آید و این را لومی دهد.

امروز اعلام شد کمترین آمار کشتار در یمن بیش از صد تا صدوپنجاه هزار انسان بی گناه است. پشت این جنگ کیست؟ رهبر و فرمانده این جنگ آمریکا و انگلیس نیستند؟ این ها خبرهای همین الان است. من همین یک ساعت اخیر دیدم و در خبرگزاری های رسمی که خودکشی میان نوجوانان و جوانان ۱۰ تا ۲۴ ساله ای آمریکایی هر سال نسبت به سال قبل بیشتر می شود و امسال ۵۶ درصد رشد داشته نسبت به سال قبل. یعنی بیش از یک ونیم برابر شده که جزو بالاترین آمارهای خودکشی است. بالاترین آمارهای تجاوز جنسی و خشونت علیه زنان. بالاترین آمار جنگ های مسلحانه ی خیابانی. دانش آموز نمره نمی آورد، با معلمش دوئل می کند. این ها طرفدار فروش اسلحه هستند و شعارشان این است که هر خانواده حداقل باید سه تا مسلسل داشته باشد تا بتواند از زندگی اش دفاع کند. گفتند آقا دانش آموزها مسلحند در دبیرستان ها و مدارس و جان معلم ها در خطر است، ترامپ گفت خب معلم ها مسلح شوند! **این رئیس جمهور آمریکا است.** حالا این صریح حرف می زند، ولی همه شان همین اند.

## آمریکا کنگر میخورد و لنگر می اندازد!

از همه جالبتر این که می گویند ما می خواهیم شما را توسعه یافته کنیم! با ملت خودشان چه کرده اند، همان یک درصد مرفه آمریکایی ۹۹ درصد ملت خودشان را چه کرده اند؟ الان پنجاه میلیون گرسنه در آمریکا وجود دارد که باید کوپن نان به ایشان بدهند و با کوپن غذا زنده مانده اند! **پنجاه میلیون گرسنه**؛ یعنی به اندازه ی یک ملت، به اندازه ی چند برابر چندین کشور در اروپا و شرق و غرب. آخرین آماري که امروز وزارت خزانه داری آمریکا اعلام کرده، می گوید حداقل بدهی قطعی ایالات متحده ۲۳ تریلیون دلار است. دقت کردید؟ ۲۳ هزار میلیارد دلار بدهی عمومی. یعنی در تاریخ بشر هیچ کشوری این قدر بدهکار نبوده. چه جور است که باز این جا را به عنوان بت و بتکده و قبله و قبله نما نشان می دهند؟! آن وضع فرهنگ داخلی مردمش، آن امنیت داخلی اش، این خارجی اش، این وضع اقتصادش.

آمریکا کلاً حدود هشتاد سال و از جنگ جهانی دوم به بعد است که ابرقدرت شده و یکی از قدرت های اصلی. تا قبلش یک کشور متوسطی بود. از جنگ جهانی اول و حدود صد سال است که به تدریج مطرح شده، ولی از جنگ دوم به بعد شده یک قدرت اصلی. آدم های وابسته را در سی چهل کشور مثل شاه در ایران، مثل آل سعود در آن جا، مثل سیسی در مصر را سرکار نگه داشتند. در همین مدت یعنی از ۱۹۴۴ تا الان چندین جنگ راه انداخته و در چند کشور جهان عملیات نظامی متجاوزانه کرده. از همان ۱۹۴۴ و جنگ جهانی دوم که آلمان را اشغال کرده، هنوز بیرون نرفته. هنوز ارتش آمریکا در آلمان است. آلمان مستقل نیست حکومتش. ژاپن را اشغال کردند و هنوز بیرون نرفته اند. الان ده ها هزار سرباز آمریکایی در ژاپن هستند. هر چند وقت یک پسری، دختری از بچه های ژاپن را می برند در پادگان شان تجاوز می کنند بعد هم ول می کنند.

هیچ کس هم هیچ کاری نمی تواند بکند.  
**کاپیتولاسیون است.**

ایتالیا را از آن موقعی که اشغال کردند، هنوز تخلیه نکرده اند. همین کاری را کرده اند که هیتلر می خواست بکند و نتوانست. بخشی از خاک اتریش را رسماً اشغال کرده اند و تخلیه نمی کنند. فیلپین را دو بار حمله کردند و اشغال کردند تا بالاخره بر حکومتش مسلط شدند. کره ی جنوبی هنوز در اشغال آمریکاست. کره ی جنوبی و ژاپن را می دانید که ارتش مستقل ندارند، قانون اساسی مستقل ندارند و به لحاظ سیاسی کاملاً تحت فرمان آمریکا و جزو ایالت های آمریکا هستند.

# کارنامه سیاه دجال!

کارنامه‌ی سیاه و ننگین لشکرکشی آمریکا را برایتان بشمارم؟ ۱۹۴۵ تا ۴۹ قتل عام در کره. صحبت از یکی دو میلیون کشتار است. ۱۹۴۵، ۴۶ اشغال فیلیپین. ۱۹۴۶ اشغال بخشی از ایتالیا و یوگوسلاوی. ۱۹۴۸ پیاده کردن نیروها هم‌زمان در فلسطین، این که رژیم صهیونیستی داشت تشکیل می‌شد و فلسطین اشغال شده بود و آمریکایی‌ها آمدند کنار انگلیس‌ها و صهیونیست‌ها. ۱۹۴۸ و ۴۹ آلمان را تقسیم کردند بین خودشان به چپ و راست. ۱۹۴۸ و ۴۹ در چین انقلاب کمونیستی شد و آمریکا رفت و دخالت کرد که با زور جنگ جلوی آن‌ها را بگیرد، اما نتوانست و مجبور به عقب‌نشینی شد. ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ سه سال دوباره جنگ و قتل عام مردم کره که خود آمریکا گفته ما حدود سی‌وشش تا چهل هزار کشته دادیم. حالا چقدر آن‌جا آدم کشتند. هم‌زمان ۱۹۵۰ تا ۵۵ در تایوان و چین جنوبی ارتش آمریکا نیروی دریایی‌اش نیرو پیاده کرد که آن‌جا دست کمونیست‌ها و چین نیفتد که هنوز هم نگهداشته‌اند. ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۴ ویتنام که از چند صد سرباز شروع کردند و رساندند به میلیون. چند میلیون آدم آن‌جا کشتند یا بمباران‌های شیمیایی و میکروبی کردند و بمب‌های هسته‌ای کوچک مصرف کردند. ۱۹۵۶ در مصر نیرو پیاده کردند و حمله کردند و بخشی از آن‌جا را گرفتند. ۱۹۵۸ در لبنان عملیات نظامی و اشغال کردند. ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۰ هم‌زمان در کارائیب علیه کوبا و کاسترو و چه‌گوآرا و انقلاب کوبا نیرو پیاده کردند. دو سال بعد در تایلند ارتش نیروی دریایی آمریکا به اسم مبارزه‌ی با کمونیست‌ها نیرو پیاده کرد و حمله کردند به تایلند. ۱۹۶۲ دوباره کوبا. ۱۹۶۲ تا ۷۵ سیزده سال جنگ در لائوس و کامبوج. یکی دو میلیون آدم آن‌جا قصابی شدند در جنگ کمونیست‌ها با آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها. ۱۹۶۴ حمله به کنگو و زئیر در آفریقا و سرکوب مردم و انقلابیون. ۱۹۵۹ تا ۷۵ شانزده سال دوباره جنگ ویتنام که حدود ۶۰۰ هزار نیروی نظامی برای کشتار مردم معمولی وارد ویتنام کردند. ۱۹۶۹ و وسط جنگ ویتنام باز حمله به جمهوری دومینکن. همان سال حمله‌ی مجدد به کنگو و زئیر. همان سال حمله‌ی دوباره به لائوس و کامبوج. ۱۹۷۰ دوباره قتل عام در ویتنام شمالی و کامبوج. ۱۹۷۱ در شبه قاره‌ی هند به بهانه‌ی استقلال بنگلادش از پاکستان و بحث هند و پاکستان عملیات و حمله کرد که مستقر شود. ۱۹۷۴ حمله به قبرس به عنوان این که ترک‌ها و یونانی‌ها اختلاف دارند سر قبرس، خوب به تو چه مربوط است؟! رفت نیرو پیاده کرد و یک بخشش را گرفت و پایگاهش رازد و هنوز آن‌جا است و بیرون نمی‌رود. ۱۹۷۵ دوباره بمباران‌های سنگین ویتنام. ۱۹۷۵ بمباران‌های سنگین کامبوج. ۱۹۷۶ پیاده کردن نیرو و اشغال بخشی از لبنان. همان سال کره‌ی شمالی دو تا سرباز آمریکایی را کشت در کره‌ی جنوبی و دوباره شروع کردند به بمباران سنگین کره‌ی شمالی و بخشی از چین. ۱۹۷۸ عملیات در کنگو آفریقا به کمک نیروهای بلژیک، فرانسه و انگلیس. چند کشور آفریقایی را بمباران و غارت کردند و مسلط شدند.



می‌دانید کشورهای آفریقایی بزرگ‌ترین منابع الماس و جواهر و طلا در جهان را دارند و البته گرسنه‌ترین مردم را. تمام این الماس‌ها و طلاها در بازارهای بورس نیویورک و لندن و تل‌آویو است، حال آن‌که آن مردم از گرسنگی دنده‌هایشان زده بیرون. ۱۹۸۰ حمله به طبرستان ایران که شکست خوردند.

جالب است که آمریکا اولین شکست‌هایش را در ایران خورده و بعد از انقلاب اسلامی ما. تقریباً همه جا موفق بودند. البته فقط یک جا در ویتنام شکست خورد قبل از این که آن هم بعداً به شکل‌های دیگری برگشت و مسلط شد و الان ویتنام فقط ظاهرش ضد آمریکایی است و گرنه دست کمپانی‌های آن‌هاست، **ولی آمریکا اولین شکست‌های واقعی‌اش را در ایران خورده است.**

باز هم این کارمانه‌ی ننگین ادامه دارد: ۱۹۸۱ حمله به السالوادور. ۱۹۸۱ همان سال حمله به لیبی. ۱۹۸۲ حمله به لبنان که لبنان را اشغال کرد، منتها نیروهای انقلاب اسلامی و همین حزب‌الله و جهاد اسلامی عملیات کردند و چند صد کماندوی آمریکایی، فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی را در چند عملیات استتهادی زدند و شکست بعدی آمریکا اتفاق افتاد. کل ارتش‌های غربی مجبور شدند بعد از آن عملیات از لبنان فرار کنند. این شد شکست دومشان از انقلاب ما. سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ ریگان دوباره به لبنان حمله کرد. ۱۹۸۳ بمباران در لیبی و سودان. ۱۹۸۳ حمله و اشغال گرانادا. ۱۹۸۳ تا ۸۹ شش سال حمله علیه نیکاراگوئه و چریک‌های چپ ضد آمریکایی‌ها در هندوراس. ۱۹۸۳ عملیات در چاد و علیه لیبی در شمال آفریقا. ۱۹۸۴ خلیج فارس کمک به عربستان علیه ایران. ۱۹۸۵ در ایتالیا عملیات نظامی. این‌ها عملیات‌های جنگی و تجاوز و لشکرکشی‌هاست و تازه ترورها جدای از این و علاوه بر این است.

۱۹۸۶ دوباره حمله و بمباران لیبی. همان سال عملیات در بولیوی و پیاده کردن نیرو. ۱۹۸۷ و ۸۸ در زمان بوش پدر جنگ عراق که چقدر کشتار شد و بعد همان قبلش جنگ با نیروهای ما در خلیج فارس که بچه‌های ما با چند قایق موتوری حمله کردند و با ناوهای آمریکا وارد جنگ شدند که یکی دو تا کشتی آمریکایی غرق شد و چند هلی‌کوپتر آمریکایی را هم زدند. البته

چند قایق ما غرق شد و بچه‌های ما شهید شدند. بعد سکوهای نفت ما را زدند در جنگ با ما در خلیج فارس. بعدش حمله به عراق که نتوانست و اشغال ناقص بود به خاطر این که ترسیدند عراق دست ما بیفتد. ۱۹۸۸ خلیج فارس باز یک عملیات علیه ما. همان سال در هندوراس عملیات علیه نیکاراگوئه. همان سال حمله به پاناما و اشغال آن؛ ده هزار نیرو وارد کرد و کل کانال پاناما را گرفت. سال بعد دوباره حمله به لیبی، همان سال دوباره نیرو به پاناما وارد کرد. همان سال عملیات نظامی در کلمبیا و بولیوی و پرو در آمریکای لاتین برای سرکوب انقلابیون با پوشش مبارزه با مواد مخدر، در حالی که خودش پشت قاچاق مواد مخدر است. همان ۱۹۸۹ عملیات در فیلیپین. سال بعد لیبی‌ها. همان سال در عربستان نیرو آوردند برای دفاع از و کویت جنگ اول خلیج فارس. سال ۹۱ تحت عنوان کردهای عراق نیرو وارد کردستان عراق کردند. همان سال سه تا عملیات در آفریقا با کمک اروپایی‌ها و چند کشور اروپایی مثل فرانسه، انگلیس، بلژیک و ایتالیا. سال ۹۱ تا ۹۶ تحت عنوان کمک بشردوستانه نیرو پیاده کردند در شمال عراق و عملاً بخش مهمی را اشغال کردند که تا همین الان هم ادامه دارد. سال ۹۲ عملیات در سیرالئون. همان سال عملیات در کویت. ۹۲ تا ۲۰۰۴ در عراق. ۹۲ تا ۹۵ چندین عملیات بمباران و قتل عام در سومالی آفریقا. ۹۳ در بوسنی و هرزگوین. اول گذاشتند صرب‌ها را مسلمان بوسنیایی‌ها را قتل عام کنند و هیچ اقدامی نکردند، بعد که مسلمان‌های بوسنی قوی شدند و سازماندهی شدند و اسلحه به ایشان رسید و شروع کردند به مقاومت و پیشروی، آن وقت تازه آمریکا وارد عمل شد و تحت عنوان متوقف کردن کشتار مردم بوسنی به دست صرب‌ها بمباران کردند و گرفتند و مستقر شدند و حکومت آن‌جا را گرفتند.

بعد هم به شدت مسلمان‌ها را کنترل و سرکوب کردند که رشد نکنند.

سال ۹۳ عملیات در مقدونیه در اروپا. ۹۳ تا ۹۵ حمله به هائیتی. ۹۴ مقدونیه. ۹۵ بوسنی و هرزگوین. ۹۶ دوباره لیبیا. ۹۶ جمهوری آفریقای مرکزی. سال ۹۷ عملیات در آلبانی. همان سال در کنگو و گامبیا در آفریقا. همان سال در سیرالئون. همان سال در کامبوج. سال بعد عراق. همان سال گینه‌ی بیسائو و سینگال. همان سال در کنیا و تانزانیا. همان سال افغانستان و سودان. همان سال ۹۸ لیبیا. ۹۹ تا ۲۰۰۱ عملیات حمله به تیمور شرقی در منطقه‌ی اندونزی. سال ۹۹ بمباران کوزوو.



این تا سال ۲۰۰۰ است و من بقیه‌اش را دیگر نمی‌خوانم. این‌ها فقط بخشی از تجاوزات نظامی آمریکا است تا ۲۰ سال پیش.

از سال ۲۰۰۰ تا الان هم دقت کنید، سیرالئون، یمن، افغانستان، ساحل عاج، عراق، لیبیا، گرجستان، جیبوتی، هائیتی، پاکستان، لبنان، سومالی و ... همین الان هم که داریم با هم صحبت می‌کنیم، عراق و سوریه و لیبی و یمن و افغانستان و لبنان. **این آمریکا است؛ یک اژدها، یک جلاد، بلکه دجال بزرگ جهانی.**

# چرا؟

الان کشتی‌هایش را برده در سواحل کره‌ی شمالی و حتی تا سواحل چین. چین که الان قدرت اول اقتصاد جهان است. حالا این آمریکا اعلام کرده ما در دنیا سه تا رقیب و فقط سه تا تهدید داریم؛ چین و روسیه و ایران. این را چند بار و چند رئیس‌جمهور آمریکا و معاونین رئیس‌جمهورهای آمریکا گفته‌اند. حالا ایران این وسط که تا سی سال پیش هم نوکر همین‌ها بوده و ۲۰۰ سال تحت سلطه‌ی این‌ها بوده. نه جمعیت‌مان، نه وسعت‌مان، نه پول‌مان اصلاً قابل مقایسه با این‌ها نیست. چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان و اقتصاد اول جهان است. روسیه بزرگ‌ترین کشور جهان است. آمریکا هم که آمریکاست. ایران اما این وسط چه کاره است؟

جالب این‌که در اسناد لانه می‌گوید بعد از پیروزی انقلاب ما ایران را از دست دادیم. می‌گوید ایران برای ما به اندازه‌ی اسرائیل و بلکه مهم‌تر بود. می‌گوید اگر به ما می‌گفتند این سی‌چهل‌کشوری که الان دست ماست و مستعمره‌ی ماست، همه‌ی این‌ها را برده و دو جا را نگهدار، می‌گوییم **اول ایران بعد اسرائیل**. می‌گوید ایران را خمینی (ره) و مردم مذهبی از جنگ ما درآوردند و ما رها نمی‌کنیم و باید برگردیم.

بعد هم به شدت مسلمان‌ها را کنترل و سرکوب کردند که رشد نکنند.

سال ۹۳ عملیات در مقدونیه در اروپا. ۹۳ تا ۹۵ حمله به هائیتی. ۹۴ مقدونیه. ۹۵ بوسنی و هرزه گوین. ۹۶ دوباره لیبریا. ۹۶ جمهوری آفریقای مرکزی. سال ۹۷ عملیات در آلبانی. همان سال در کنگو و گامبیا در آفریقا. همان سال در سیرالئون. همان سال در کامبوج. سال بعد عراق. همان سال گینه‌ی بیسائو و سینگال. همان سال در کنیا و تانزانیا. همان سال افغانستان و سودان. همان سال ۹۸ لیبریا. ۹۹ تا ۲۰۰۱ عملیات حمله به تیمور شرقی در منطقه‌ی اندونزی. سال ۹۹ بمباران کوزوو.



این تا سال ۲۰۰۰ است و من بقیه‌اش را دیگر نمی‌خوانم. این‌ها فقط بخشی از تجاوزات نظامی آمریکاست تا ۲۰ سال پیش.

از سال ۲۰۰۰ تا الان هم دقت کنید، سیرالئون، یمن، افغانستان، ساحل عاج، عراق، لیبریا، گرجستان، جیبوتی، هائیتی، پاکستان، لبنان، سومالی و ... همین الان هم که داریم با هم صحبت می‌کنیم، عراق و سوریه و لیبی و یمن و افغانستان و لبنان. **این آمریکاست؛ یک اژدها، یک جلاد، بلکه دجال بزرگ جهانی.**

کل این تحریم‌ها، تهدیدها، جنگ‌ها و ترورها همه برای این است که برگردند، منتها به جای این که برگردند، به تعبیر رهبری اگر ملت ایران در دهه‌ی پنجاه شمسی از ایران بیرون‌شان کرد، در دهه‌ی نود از منطقه بیرون‌تان کردیم. یمن مال شما بود از حلقوم‌تان بیرون آمد. عراق در چنگ شما بود و اشغالش کرده بودید و از حلقوم‌تان بیرون آمد. افغانستان را خورده بودید و بیرون آمد و نتوانستید قورتش بدهید. در سوریه یک جنگ جهانی راه انداختید در این شش هفت سال و شکست خوردید. شما در کل منطقه شکست خوردید؛ در لبنان، در غزه، در افغانستان، در عراق، در سوریه و یمن همه جا شکست خوردید. این‌ها همه مال شما بود، ولی دیگر مال شما نیست.

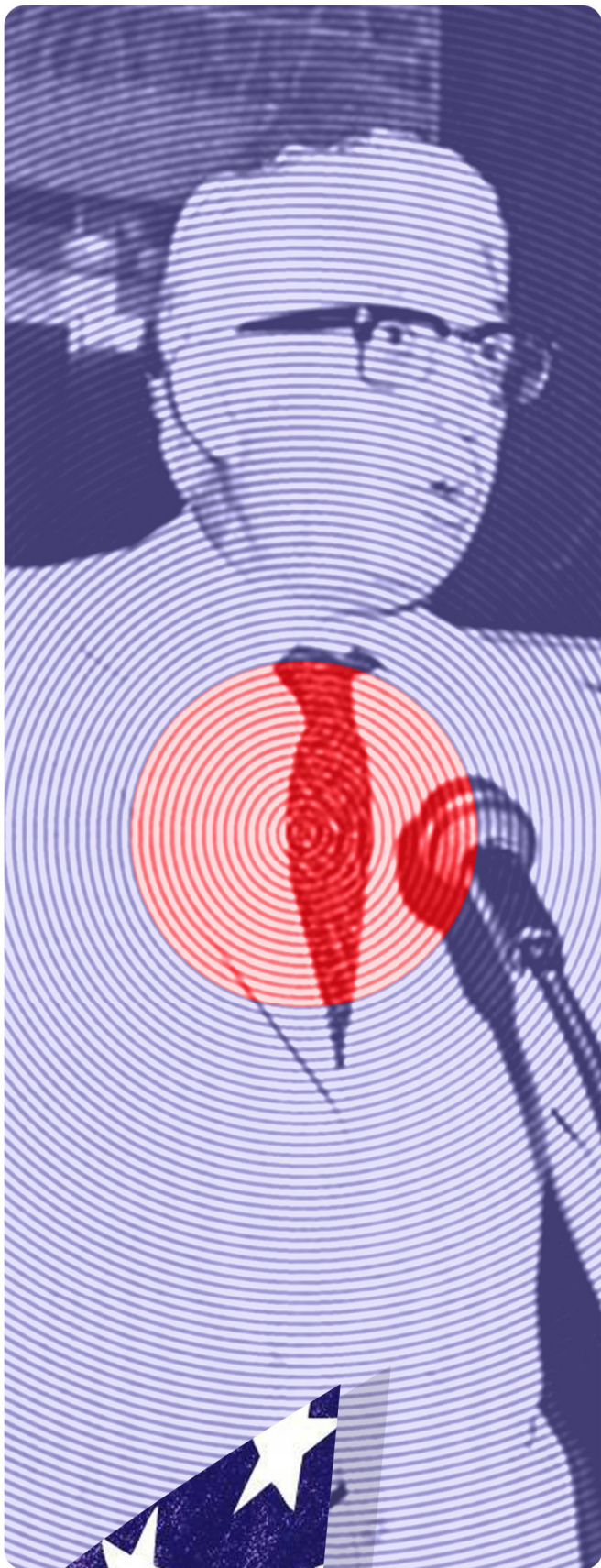
دقت کنید که این حرف‌ها را مقامات و استراتژیست‌های درجه‌یک آمریکا می‌گویند. این صحبت‌های ادعایی ما نیست. حالا دقت کنید که در ایران به چه می‌اندیشند. این‌ها می‌گویند مسأله‌ی اول و اصلی ما این است ایران را دیگر با جنگ نمی‌توانیم پس بگیریم. می‌گویند به همه جا می‌توانیم حمله کنیم، اما به ایران نمی‌توانیم، چون در ایران یک انقلاب واقعی بر اساس ایدئولوژی دینی است و مردمند و صحبت از چند میلیون آدم است که تا پای جان ایستاده‌اند. این را آمریکایی‌ها در اسناد لانه می‌گویند: قوی‌ترین حکومت در جهان امروز به لحاظ پایگاه‌های مردمی حکومت ایران است. می‌گوید ما نمی‌توانیم با جنگ و حمله ایران را پس بگیریم. این گزارش‌ها دقیقاً چهل سال پیش است و در اسناد لانه. آن موقع حدود ده ماه از انقلاب گذشته و آبان ۵۸ است.

## لیبرال‌های مذهبی، کلید آمریکا برای جنگ داخلی!

آخرین اسناد لانه مال یکی دو روز قبل از اشغال است؛ یازده و دوازده آبان ۵۸. چهل سال پیش دقیقاً در چنین روزهایی. آخرین تحلیل‌های کارشناسان سیا و پنتاگون که از تهران فرستادند به واشنگتن. می‌گوید الان تنها راه ما این است که در حکومت ایران دو شاخه و دو جریان وجود دارد؛ یکی شاخه‌ی افراطی به رهبری خمینی (ره)، این‌ها به شدت اسلام‌گرا، ایدئولوژیک، انقلابی و ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی و اکثریت مردم با این‌ها نیستند. بعد می‌گوید ولی یک شاخه‌ی دومی هم هست که جریان‌های میانه‌رو هستند و لیبرال‌های مذهبی که سنبل آن مهندس بازرگان و دولت بازرگان است؛ نهضت آزادی، جبهه‌ی ملی، لیبرال‌ها و ملی‌گراها. می‌گوید ما باید سعی کنیم این شاخه در حکومت جمهوری اسلامی تقویت شود و باید جریان افراطی ضد آمریکایی به رهبری خمینی (ره) و جوان‌های کم‌سن دانشگاه‌ها را از صحنه خارج و مأیوس کنیم یا به جان هم بیندازیم. باید درگیری داخلی پیش بیاید و آن جریان مسلط شود.

می‌گویند جریان لیبرال مذهبی و ملی‌گراها یک شاخه دارند در دانشگاه‌ها، یک شاخه دارند در حوزه و آخوندها. می‌گوید آخوندهایی که مخالف خمینی‌اند؛ از طلبه‌ی معمولی و منبری و مداح تا مرجع صاحب رساله. می‌گوید جریان آخوندی درون حوزه‌ی ضد خمینی (ره) را باید پیدا و تقویت کنیم. همچنین باید جریان دانشگاهی ضد خمینی (ره) را پیدا و به هم مربوط و علیه جریان دانشگاهی انقلابی تقویت کنیم. باید حتی روی کمونیست‌ها و چپ‌ها که شعارشان ضد آمریکایی و ضد سرمایه‌داری است، کار کنیم و از آن‌ها هم استفاده کنیم، چون آن‌ها هم با آخوندها و نظام مخالفند.

من فقط چند سند را از رو برایتان بخوانم: اسم افرادی را می‌آورد که این‌ها اول انقلاب جزو مسئولان جمهوری اسلامی بودند در دولت موقت. می‌دانید که سخنگوی دولت موقت امیرانتظام بود که معاون نخست‌وزیر هم بود؛ معاون مهندس بازرگان و سخنگوی دولت اسلام و انقلاب. این از ده بیست سال قبل از انقلاب با آمریکایی‌ها و سفارت‌شان ارتباط داشته.



بعد این جا می گوید در جلسه ای با او داریم صحبت می کنیم، الکل زده و مست است. گفتیم یک کم استراحت کن تا بعد بنشینیم با هم صحبت کنیم. سخنگوی دولت موقت جمهوری اسلامی بعد از انقلاب! در دولت آدم دارند. در اولین مجلس ما در دهه ی شصت آدم دارند. در مجلس خبرگان قانون اساسی آدم دارند. اولین رئیس جمهور ما بنی صدر بعد معلوم می شود و اسناد درمی آید که از قبل با این ها ارتباط دارد. پنج شش نفر از وزرای بازارگان در جلسات خصوصی با آمریکایی ها می گویند و می خندند به امام و بچه های انقلاب و فحش می دهند و می گویند تقصیر این هاست. مثلاً یک نمونه مقدم مراغه ای که استاندار آذربایجان بود و جزو چهره های اصلی نهضت آزادی و جبهه ی ملی که اصلاً بی دین بود و بعدها صریح گفت احکام اسلام مزخرف است! این در حکومت اسلامی مسئول بود و علیه اسلام حرف می زد. بعد هم معلوم شد که با لانه ارتباط دارد.

حسن نزیه اولین وزیر نفت انقلاب اسلامی اسنادش بیرون آمد. مأمور سیا در تهران گفته من با این جریان ها جلسه داشتم. در تمام دانشگاه های اصلی تهران و مشهد و شیراز و اصفهان آدم داشتند و این ها غیر از این که به ساواک وصل بودند، مستقیم به سفارت آمریکا گزارش می دادند. هر روز خبر می دادند که امروز در دانشگاه ما فلان جریان و فلان گروه فلان میتینگ را راه انداخته و سخنران این بوده و این را گفته و این کار را کرده. در اسناد لانه می گوید روز اولی که دانشگاه ها باز شده بعد از انقلاب، یعنی مهر ۵۸، دیروز اسم ۱۷۰ استاد دانشگاه های تهران که ساواکی بودند و با سیار ربط داشتند، افشا شده و این استادها همه فرار کرده اند و می گویند به ما کمک کنید که سریع برویم آمریکا. یک موج فرار بعضی اساتید به سمت آمریکا شروع شد. بعد معلوم شد صدها استاد در بهترین دانشگاه های ایران یا از ساواک حقوق می گرفتند و گزارش می دادند یا مستقیم با سفارت آمریکا و سیا وصل بودند یا جزو فراماسونری بودند.

## باید بگوئیم

# آمریکا دشمن نیست!

پس یکی این تیپ‌های ملی‌گرا و لیبرال مذهبی و میانه‌روها را می‌گوئید و یکی خط افراطی خمینی(ره) شامل پاسدارها، دانشجوهای تندرو مذهبی و انجمن‌های اسلامی و تحکیم آن موقع. خط میانه‌روها را می‌گوئید که معتقدند با آمریکا سوء تفاهم شده و می‌شود حلش کرد و **مسأله‌ی فلسطین هم به ما ربطی ندارد**. می‌گوئید ما باید این شاخه را تقویت کنیم در حکومت ایران. می‌گوئید آن شخص ایرانی خودش تأکید کرد به من که به کاردارتان در تهران بگوئید هر طور شده، با خمینی(ره) تماس بگیرد و او را متقاعد کند که آمریکا دشمن نیست، چون خمینی(ره) هر هفته سخنرانی می‌کند و یک چیزی علیه آمریکا می‌گوئید و مردم تابع خمینی‌اند.

یک سند دیگر در مورد فشار اقتصادی می‌گوئید که رژیم از هم پاشیده و انقلاب شده و اقتصاد و همه چیز روی هواست و تحریم‌ها هم عملاً شروع شده. به شما بگویم که تحریم‌ها فقط مربوط به هسته‌ای نیست؛ از همان موقع شروع شده. اتفاقاً از وقتی که ما مذاکرات و توافق و تعهد کردیم و لبخند زدیم، تحریم‌ها ده برابر شده است. آن موقع‌ها تحریم خیلی کمتر بود و الان هر چه بیشتر توافق کردند و هی امضا کردند و کوتاه آمدند، تحریم‌ها بیشتر شد، توهین‌ها هم بیشتر شد. این‌ها جزو آثار مذاکره با آمریکاست.

بعد می‌گوئید ما پیش‌بینی می‌کنیم ظرف چند ماه آینده و مثلاً حداکثر یک سال، مردم به خاطر مشکلات اقتصادی، گرانی، تورم و بیکاری بریزند در خیابان و علیه خمینی(ره) شعار بدهند و ما آن‌جا باید آماده باشیم تا این تظاهرات خیابانی به خاطر اقتصاد را سریع علیه حکومت سازماندهی کنیم. آن موقع گفته بودند چند ماه دیگر حکومت انقلاب ایران سقوط می‌کند به خاطر تظاهرات ناشی از فشارهای اقتصادی و گرسنگی و این‌ها.

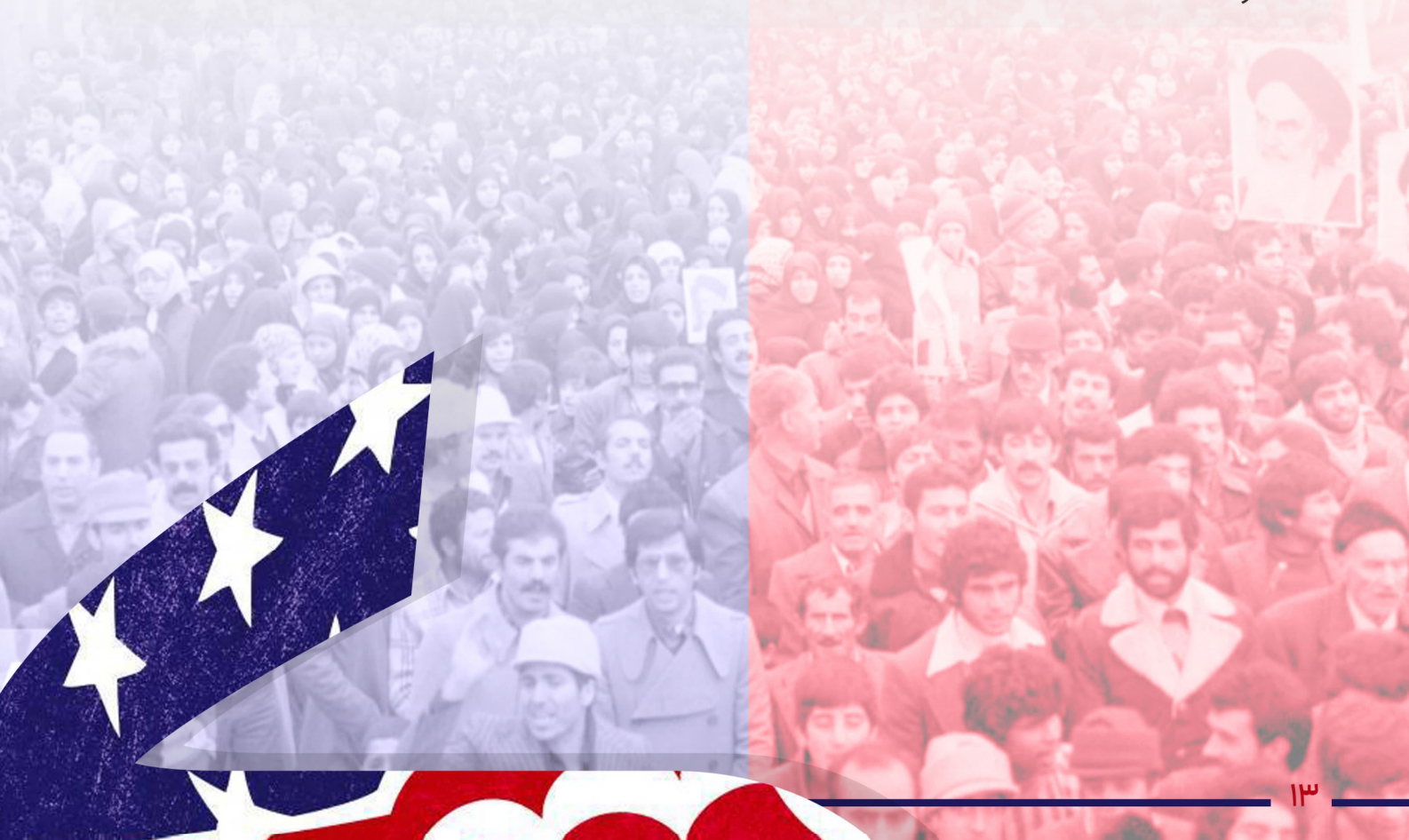
## شیعه سکولار!

خط دیگر را می‌گوئید ما در حوزه بین روحانیون هم کسانی را داریم حتی در سطح مرجعیت در قم که رساله و مقلد هم دارند و مخالف خمینی‌اند؛ اصلاً معتقد به انقلاب نیستند و **معتقدند دین از سیاست جداست**. این‌ها با شاه همکاری می‌کردند و بعضاً از ساواک پول می‌گرفتند. اسامی شان را هم آورده که طرف با ساواک، با دربار و با سفارت آمریکا ارتباط داشته و حاضر بوده علیه خمینی(ره) کودتا کند. می‌گوئید ما باید این جور آخوندها را پیدا کنیم در قم، مشهد، تهران، اصفهان و همین‌طور در عراق و نجف. بعد با این‌ها مرتبط شویم و یک جبهه‌ی آخوندی علیه خمینی(ره) ایجاد کنیم. در دانشگاه‌ها هم باید در برابر جوانان مذهبی تندرو، اقشار میانه‌رو و تکنوکرات و دموکرات و طرفداران رابطه با آمریکا را در سطح روشنفکران و دانشگاه‌ها از طریق روزنامه، مطبوعات و شبکه سازی فعال و سازماندهی کنیم. همین‌طور باید کمک کنیم که **گروه‌های غیر مذهبی و لیبرال‌های مذهبی و آخوندهای ضد خمینی و چپ‌ها و کمونیست‌ها همه کنار هم قرار بگیرند**.

این‌ها که می‌گوئیم، عین عبارات اسناد لانه است. می‌گوئید در امور داخلی ایران دو شاخه‌ی رسمی و غیررسمی شکل گرفته، شاخه‌ی رسمی دولت در دست **لیبرال‌های مذهبی** است. شاخه‌ی غیررسمی هم شامل **مساجد، نهادهای انقلابی و جوانان مذهبی تندرو در دانشگاه‌ها که به دولت کاری ندارند** و گوش‌شان فقط به حرف خمینی(ره) است.

می‌نشینند سخنرانی‌های خمینی (ره) را گوش می‌کنند و وارد عمل می‌شوند. با هیچ‌کس هم‌کاری ندارند. می‌گویند این دو شاخه‌ی رسمی در سیاست داخلی ایران است. سیاست خارجی ایران هم همین‌طور است. سیاست خارجی هم بین دو جریان تقسیم شده و در حال نوسان است؛ **یکی جریان افکار انقلابی و تندروی مذهبی، یکی هم جریان محافظه‌کار و سیاسیون ملی‌گرا.** نشانه‌های مشخص از آن‌جا مشاهده شد که در عرصه‌ی بین‌الملل و روابط خارجی گرایش خمینی (ره) و جوانان مذهبی تندرو به سوی کشورهای رادیکال و دور شدن از رژیم‌های عربی میانه‌رو، مثل آل سعود و قطر و امارات و همین‌هایی که هنوز هم مشغول جنایت هستند، پدید آمد. می‌گویند این جناح تندرو که خمینی (ره) در رأس آن است و متأسفانه پایگاه مردمی او قوی است، مدام حملات لفظی علیه اسرائیل، صهیونیسم و آمریکا و مدام بدگمانی نسبت به قدرت‌ها دارد، اما جناح دیگر در دولت و حکومت تمایل به همکاری با آمریکا و بی‌طرف کردن ایران در قضایایی مثل فلسطین نشان می‌دهند. که آقا فلسطین به ما چه!؟

❖❖ بعد می‌گویند باید خط رسانه‌ای ما این باشد که به مردم ایران بگوییم اگر اقتصاد مدرن می‌خواهید، **باید به این جناح و جریان فکری رأی بدهید و با این‌ها باشید.** اگر می‌خواهید که فشار رویتان بیاید و تحریم، با خمینی (ره) باشید. می‌گویند این سیاست‌های دوگانه در حکومت جمهوری اسلامی تا زمانی که دولت دائمی از این طرف یا آن طرف مستقر نشود و این دولت تعویض نشود، ادامه خواهد داشت و تمام تلاش ما برای معتدل کردن و ایجاد خط اعتدال در سیاست‌های رادیکال حکومت در موقعیت فعلی محدود است. می‌گویند ما قدرت زیادی نداریم. علتش را هم توضیح داده که چون مردم ایران به ما فحش می‌دهند و مثلاً شاه را آدم ما می‌دانند. می‌گویند همه‌ی جنایت‌ها و غارت‌ها زیر سر آمریکا و انگلیس بوده و هر کس علیه آمریکا شعار بدهد، مردم او را قبول دارند، بنابراین ما الان نمی‌توانیم علنی کار کنیم و باید از طریق آن شاخه‌ی میانه‌رو کار کنیم. نمونه‌ی دیگر این گروه‌ها، جبهه‌ی دموکراتیک ملی بود که مجاهدین خلق و فداییان خلق و لیبرال‌ها و ملی‌گراها همه با هم متحد شدند. می‌گویند ما با این‌ها ارتباط داریم؛ با این که بعضی از این‌ها خودشان را ضد آمریکایی می‌دانند. می‌گویند ما باید سعی کنیم یک حزب قوی از این تیپ‌ها وارد دولت و مجلس شوند.



# شکاف!

بعد اشاره می‌کند به یک قضیه‌ای که سر مرحوم آقای طالقانی آمد. پسر آقای طالقانی جزو منافقینی بود که کمونیست شده بود و در جریان توطئه‌ها و ترورها دست داشت. بعد آن موقع بچه‌های کمیته و سپاه این پسر آقای طالقانی را گرفتند در خانه‌های تیمی و درگیری‌ها. حالا هنوز منافقین جنگ مسلحانه را رسماً شروع نکرده بودند، ولی عملاً در کردستان و سیستان و بلوچستان و خوزستان و آذربایجان و ترکمن صحرا کم و زیاد جنگ‌های مسلحانه را شروع کرده بودند. این را که بازداشت کردند، آقای طالقانی خب یک کمی رنجید. حالا سفارت آمریکا را ببینید چه می‌گوید؟ می‌گوید باید همین قضیه را ادامه بدهیم و تبدیلیش کنیم به یک شکاف درون روحانیون انقلابی و این اختلاف را از بین خمینی(ره) و طالقانی شروع کنیم. انتقادات از سطح حکومت باید بکشد به کف جامعه. البته آقای طالقانی خب متوجه شد و امام(ره) سید احمد را فرستادند که از آقای طالقانی دلجویی کند. پسر ایشان را هم به نظرم ول کردند. آقای طالقانی هم مصاحبه کرد و خیلی عالی گفت ما تابع صد درصد امامیم و من گاهی می‌آیم پیش امام، بعضی‌ها فکر می‌کنند من می‌روم با امام بحث کنم، **اما من می‌روم از ایشان روحیه می‌گیرم و از ایشان خط می‌گیرم.**



آقای طالقانی را خیلی می‌خواستند علیه امام تحریک کنند و البته نگذاشت ایشان و محکم ایستاد، ولی سفارت آمریکا کوچک ترین مسائل را می‌گوید بروید و فعال شوید. می‌گوید اگر بتوانیم به جدایی بین خمینی(ره) و طالقانی دامن بزنیم، می‌شود انتقاداتی را در سطح عموم علیه حکومت برگزار کنیم. از طرف دیگر عوامل سیا رفتند قم منزل آیت‌الله شریعتمداری که مرجع تقلید و صاحب رساله بود. جالب است که این سند می‌گوید یک عده روحانی آن‌جا بودند در قم و چند خیابان این‌ورتر از خانه‌ی خمینی(ره) که به ما (یعنی به سفارت آمریکا) گفتند ما به دادگاه‌های انقلاب به شدت معترضیم. می‌گوید به ما گفتند چرا آمریکا پشت شاه را خالی کرد که برود؟! می‌گوید به ما گفتند امیدواریم دنیای غرب این خشونت‌های خمینی(ره) را به اسلام واقعی نسبت ندهد و **اسلام ما غیر از اسلام خمینی(ره) است!** می‌گوید اساساً ایران بعد از انقلاب دیگر بر اساس عقل اداره نمی‌شود. می‌گوید که به ما گفت نکند آمریکا احساسات ضد آمریکایی وسیع مردم ایران امروز را به عنوان احساسات همه‌ی مردم ایران تلقی کند. **همه‌ی مردم ایران ضد آمریکایی نیستند.** همه‌ی ما روحانیون ضد آمریکایی نیستیم. یک وقت اشتباه نکنید‌ها! فکر نکنید همه افراطی‌اند در قم. بعد زیرکانه به ما گفت اظهارات خمینی(ره) تا حد زیادی به افکار ضد آمریکایی کمک کرده. اما وقتی دوباره مردم ایران سر عقل بیایند، حتماً خواهند خواست که روابط با آمریکا برقرار شود.

آخرین بخش را هم بخوانم؛ می‌گویند این‌ها گفتند **سخن خمینی (ره) نماینده‌ی روحانیت نیست**. ما روابط با آمریکا را می‌خواهیم، منتهی نه به شیوه‌ی زمان شاه و آن جور رسوا که مردم دوباره انقلاب کنند. توجه می‌کنید؟ به آمریکا یاد می‌دهد که شما چه بگو تا مردم از آمریکا متنفر نباشند و بگویند تقصیر شاه بوده و تقصیر آمریکا نبوده و آمریکا خوب بوده و شاه بد! این در اسناد لانه‌ی جاسوسی آمریکا است. می‌گویند بروید به رئیس‌جمهورتان بگویید این جوری بگویند که ما آن کارها را نکردیم و خب حکومت ایران به زور از ما خواسته. ما که قصد بدی نداشتیم و می‌خواستیم خدمت کنیم و هر که از ما بخرد، ما می‌فروشیم. بگویید آمریکا تنها به درخواست‌های سلطنت جواب مثبت داده.

«او اضافه کرد آمریکایی‌ها باید از هر فرصتی که موجب بازگشت دوستی آمریکا با ایران شود استفاده کنند و با این توطئه‌ی ضد آمریکایی یا بد مبارزه کنید. او گفت آمریکا سعی کند اخبار مساعدی نسبت به ایران اشاعه دهد.» یعنی کاری کنید که افکار عمومی ایران که از آمریکا متنفرند، کم‌کم خوشبین بشوند به شما!



# آمریکا و اسرائیل به ما چه ارتباطی دارد؟

بعد این شخص می‌گوید از آن‌جا که انقلاب ایران از ابتدای اوج‌گیری به شکلی عمل کرد که شعار می‌داد بساط چپاول‌گران را جمع می‌کنیم و منظورشان از چپاول‌گران در رأسش آمریکا و اسرائیل بوده، حالا اساس جامعه‌ی خسته و کوفته‌ی ایران این انقلابی‌هایی هستند که می‌گویند ما پنجاه سال زیر شکنجه و اسارت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها بوده ایم. می‌گوید ما الان نمی‌توانیم خیلی نظر آن نسل را عوض کنیم، چون آن‌ها دیدند ما کی بودیم و ما هم آن‌ها را می‌شناسیم، **ولی باید روی نسل بعد سرمایه‌گذاری کنیم** که صورت مسئله کلاً عوض شود و آن‌ها به خودشان بگویند اصلاً برای چه مرگ بر آمریکا؟! اصلاً اسرائیل به ما چه؟! باید در مسائل مختلف یک تحولی در افکار عمومی نسل بعد ایجاد کنیم و از الان باید به فکر باشیم.

بعد اسم چند نفر را می‌آورد؛ تیپ‌هایی که رابط سفارت آمریکا بودند. می‌گوید فلانی گفته این‌ها نمونه‌های دیگری از تجزیه و تحلیل افراد وفادار به آمریکا که دارند کم‌کم خود را با اوضاع روز وفق می‌دهند و به قول ضرب‌المثل ایرانی **«باد از هر طرفی بوزد، به همان طرف می‌روند»**. باید از این پس در تشکیلات وسیع‌تری با طرح‌های مؤثرتر و پیچیده‌تری میان طبقه‌ی میانه‌رو در جامعه و حکومت ایران و برای آگاهی آن‌ها در کشاکش بحران سیاسی عمل نمود، اما متأسفانه راهی طولانی در پیش است و این کار آسان نیست.

# خط خمینر را عوض کنید!

یکی دیگرش را می‌گوییم. حالا پی برده‌اند که دیگر شاه نمی‌توانسته باقی بماند و تا آخرین قطره‌ی ظرفیت شاه و پهلوی را استفاده کرده‌اند و ایران را مکیده‌اند. می‌گویند ما ایران را مثل یک پرتقالِ مچاله کردیم و گذاشتیم کنار. به این آسانی هم نمی‌شود افکار عمومی را عوض کرد، اما مهم‌ترین چیز برای آینده‌ی ایران و نجات ایران این است که طرفداران غرب باید افراطیون را از سطح قدرت و حکومت حذف کنند. می‌گویند خط آمریکا در تقویت هر تشکیلات خط میانه به همین شکل است. این را یکی از همین‌هایی می‌گویند که جزو لیبرال‌های مذهبی و میانه‌روها و طرفداران رابطه با آمریکا بودند. می‌گفتند خمینی (ره) اگر بگذارد با آمریکا مذاکره بشود، آمریکا عوض می‌شود. **این‌هی می‌گویند مرگ بر آمریکا، خب آمریکا هم دشمنی‌اش ادامه پیدا می‌کند.**

باز می‌گویند در ملاقات با داودی و عزالدین کاظمی که آدم‌هایی در وزارت خارجه‌ی پس از انقلاب داشتند، توضیح می‌دهد که باید با خمینی (ره) و کمونیست‌ها چه کرد: «داودی گفت طرفداران خمینی (ره) آن قدرها که گفته می‌شود، اساسی و ریشه‌ای نیستند. همان‌ها مجبور خواهند شد به تدریج از برابر میانه‌روها در حکومت ایران عقب‌نشینی کنند. یعنی آینده‌ی حکومت ایران بالاخره باید بیفتد دست میانه‌روها و لیبرال‌های مذهبی که با ما رابطه دارند.» بعد اظهار خوشحالی می‌کند که: «خوشبختانه پریروز مثلاً مخالفین میانه‌روی خمینی (ره) اولین میتینگ بزرگ ضد خمینی (ره) را برگزار کردند. در این میتینگ حتی شعار مرگ بر خمینی (ره) شنیده شد... در این میتینگ چهار تا پنج هزار نفر شرکت کردند و در سه روزنامه که با سفارت ارتباط دارند، تبلیغ شدند. همین طور از یک کلوپ در وزارت آموزش و پرورش که از قبل از انقلاب با ما در ارتباط بوده، استفاده کردند که بتوانند یک عده دانش‌آموز و معلم و دانشجو را بکشانند در صحنه. مخالفین برجسته که ما باید آن‌ها را با هم متحد کنیم. گروه‌های چپ و راست که خودشان با هم اختلاف دارند. **ما این‌ها را باید با هم بیاوریم در یک پروژه علیه خمینی (ره) و به نفع آمریکا.**

## یا جنگ داخلی یا آدم اهل معامله!

متین دفتری، عبدالکریم لاهیجی، رحیم صفاری، حزب اتحاد برای آزادی، کانون نویسندگان ایران، آقای مؤمنی. بعد می‌گویند که کنسول در پاسخ گفت اگر خمینی (ره) در مشی خود تندروری را ادامه دهد، ما باید تلاش کنیم یک نیروی نظامی یا درون ارتش یا بیرون ارتش ایران را درگیر یک مشکل بزرگ نظامی کنیم. **این کاری بود که با کودتا هم خواستند بکنند،** کودتای پایگاه شهید نوژه که شکست خورد. در کردستان، در سیستان و بلوچستان، در خوزستان، در آذربایجان و در ترکمن صحرا جنگ‌های مسلحانه شروع شد به عنوان تجزیه. خلق ترک، خلق کرد، خلق عرب، خلق بلوچ، خلق ترکمن همین طور شروع شد. ظاهراً هم کمونیست‌ها پشت پرده‌ی همه‌اش هستند. در اسناد لانه هم بعداً درآمد که این لانه‌ی جاسوسی با همه‌ی این‌ها ارتباط داشته و با گرد و فارس و ترک و همه‌ی این‌ها شبکه زده بوده. به همه‌ی این‌ها پول و اسلحه و اطلاعات می‌داده. این هم که شکست خورد، قضیه‌ی ترورها را دامن زدند. با آن هم که نتوانستند کار حکومت و انقلاب را یکسره کنند، جنگ را شروع کردند و صدام وارد جنگ شد. در اسناد لانه از یک سال و نیم قبل از جنگ و از همان روزهای اول انقلاب می‌گویند یکی از کشورهای که می‌شود رویش سرمایه‌گذاری کرد علیه انقلاب اسلامی، عراق است.

با این که صدام و بعثی‌ها شعارهای چپ می‌دهند و تظاهر مثلاً ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی می‌کنند، ولی کاملاً در پروژه‌ی ما می‌توانند عمل کنند و همین کار را هم کردند. طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم را راه انداختند و تحمیل کردند که الحمدلله به نتایج مطلوب‌شان هم نرسید. شما دیدید در این اربعین‌ها چه اتفاقاتی می‌افتد و میلیون‌ها ایرانی و عراقی مثل برادر و خواهر و از یک ملت به هم نزدیک‌ترند.

آن جمله‌ای که خواستم عرض کنم، این است که اسم آدم‌های چپ و راست و همه تیپ را می‌آورد و می‌گوید ما باید در ارتش بتوانیم کار کنیم، اگر نشد گروه‌های چریکی را علیه حکومت فعال کنیم به اسم تجزیه‌طلبی و قومیت و مذهب و نژاد یا جنگ شیعه و سنی یا جنگ فارس و کرد و ترک و عرب. اگر نشد، می‌گوید باید یک انقلاب آرام درون سیستم حکومت ایجاد کنیم، یعنی استحاله. می‌گوید به این نکته بارها اشاره کرده‌ایم که خمینی (ره) آدمی نیست که اهل معامله باشد و ما باید آدم‌های اهل معامله را در حکومت پیدا کنیم و با کمک آن‌ها جریان افراطی خمینی (ره) و جوان‌های افراطی مذهبی را بزنیم کنار و حذف کنیم.

خدمت می‌کنی؟! مگر آن‌ها سیاست و ایدئولوژی نیست؟! کسی اگر بگوید من فقط به مسائل علمی کار دارم و به سیاست و دین و مذهب و ایدئولوژی کار ندارم، اولاً خودش را فریب داده و ثانیاً می‌خواهد مردمش را فریب بدهد. اصلاً امکان ندارد. می‌برندت در شبکه‌های فعالیت‌های خودشان و به دست تو آخرین ورژن بمب شیمیایی جدید را می‌سازد و خودت هم نمی‌فهمی! جناب عالی مهندس هستی، فیزیکدانی، یک گوشه‌ای یک معادله را حل می‌کنی و خودت هم نمی‌فهمی که این یک پروژه‌ی بزرگ است و تو یک قطعه‌ای هستی در این ماشین بزرگ سرمایه‌داری.

این‌ها هم اتفاقاً از موادی است که در اسناد لانه به آن بارها اشاره کرده‌اند. حیف که روی این‌ها مطالعه‌ی دقیق نمی‌شود. الان همین‌ها سیاست‌ها را شما چهل برابر یا چهارصد برابر بکنید، همین را دقیقاً دارند ادامه می‌دهند. اصولاً تکرار مکررات است. شیوه‌ها و ابزار و آدم‌ها عوض می‌شوند، اما همین خط ادامه دارد و ما باید همچنان هشیار باشیم و با بصیرت کامل مقابله کنیم.

این‌ها بخشی از اسناد است که دیگر من خواهش می‌کنم خودتان مراجعه کنید و ببینید که چه کردند. بعد این چهل سال گذشته را شما ضرب در چهل یا چهارصد بکنید، می‌شود همین الان که دارند دوباره این کارها را می‌کنند. یعنی اگر آن موقع و چهل سال پیش بعد از انقلاب فقط در دانشگاه شما، ۱۵ تا گزارش‌گر داشتند از استاد و دانشجو و کارمند که این‌ها جدا جدا گزارش می‌دادند به سفارت، امروز در همین دانشگاه چندین برابرش را دارند احتمالاً. یک نمونه‌اش همین شبکه‌ی پاس‌دادن بچه‌های نخبه‌ی دانشگاه شما به کمپانی‌های آمریکایی و صهیونیستی که در بعضی استادهای این جا هم بودند. رهبری هم چند وقت پیش گفتند. این‌ها دست سرویس‌های جاسوسی است. چه جوری بچه‌ها را این جا مایوس کنیم و به جای این که کمک کنیم شبکه‌های تولید علم، تولید فکر، تولید کار و اشتغال در همین جا راه بیفتد، مایوس و درمانده و خسته‌شان کنیم و از آن طرف هم هی دعوت و زمینه‌سازی و این‌ها را ببریم.

به طرف القا می‌کنند که آقا علم برای من مهم است و من به سیاست کار ندارم! اگر واقعاً برای شما ایدئولوژی و سیاست و این‌ها مهم نیست، چطور رفتی زیر بار سیاست ایدئولوژیک آمریکایی-صهیونیستی و داری به آن خدمت می‌کنی؟! مگر آن‌ها سیاست و ایدئولوژی نیست؟! کسی اگر بگوید من فقط به مسائل علمی کار دارم و به سیاست و دین و مذهب و ایدئولوژی کار ندارم،



# آمریکای آخر

## آخرین راه حل

برای شکست انقلاب اسلامی چه بود؟

